

نوع مقاله: ترویجی

بررسی تأثیر جنسیت در توانش‌های سرشتی انسان از دیدگاه قرآن

mn@qabas.net

محمد نقیب‌زاده / استادیار گروه علوم قرآن و تفسیر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

miriparsaei@gmail.com

سیدمهدی میری پارسایی / کارشناس ارشد علوم قرآن و تفسیر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

چکیده

سرشت انسان عبارت است از چگونگی وجود و گونه آفرینش او که خاستگاه بینش‌ها، گرایش‌ها، توانش‌ها و انفعالات است. توانش‌های سرشتی، از جمله اموری است که در کنار سایر امور سرشتی، خاستگاه آفرینشی داشته و از ابتدای خلقت هر انسانی، در نهاد او نهفته شده و به مرور زمان شکوفا می‌گردد. این تحقیق با هدف بررسی توانمندی‌های سرشتی زن و مرد از دیدگاه قرآن، به روش تحلیلی - توصیفی، آیات را در قالب تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار داده است. خداوند به هنگام خلقت انسان، اهدافی داشت که جز با آفرینش دو صنف (زن و مرد) محقق نمی‌شد. برای تحقق این اهداف، توانش‌های ویژه‌ای به زن و مرد داد تا هریک به سوی نقش‌های ویژه متمایل شوند. گرچه هر دو در تکثیر نسل بشر و آرامش بخشی به یکدیگر نقش آفرینی دارند؛ اما خداوند بخش عمده مسئولیت تکثیر نسل را بر عهده زن گذاشت و توانایی‌های لازم برای تحقق این هدف به وی ارزانی داشت و با اعطاء افزون برخی توانایی‌ها به مردان آنان را در خدمت خانواده و تحقق اهداف موردنظر از تشکیل آن قرار داد. براین اساس اگرچه زنان و مردان در اصل برخوردار از برخی توانش‌ها با یکدیگر مشترکند؛ اما در همین امور مشترک برخی کاستی‌های و فزونی‌ها بین ایشان وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، سرشت، توانش، انسان، قرآن.

مقدمه

توانشی مشترک و در چه اموری متفاوت هستند؟» نیامده است. بنابراین ضرورت بررسی آن روشن می‌شود. آگاهی از توانش‌های سرشتی و توجه به رابطه مستقیم میان آن توانش و نقش زن و مرد، موجب می‌گردد انتظارات افراد نسبت به هریک، متناسب توانمندی‌های آنان صورت گیرد.

۱. توانایی‌های مشترک زن و مرد

توانمندی‌هایی که خداوند در اختیار بشر قرار داده، غیرقابل شمارش است. تعدادی از توانایی‌های مشترک انسان، اعم از توانایی زنان و مردان عبارتند از:

۱-۱. کاربرد زبان

یکی از استعداد‌های انسان، توانایی سخن گفتن است. بشر انتظار دارد، کودک پس از مدتی، لب به سخن بگشاید. اگر کودکی نتواند حرف بزند، غیرطبیعی محسوب می‌شود. تکلم، نعمتی است که خداوند از انسان اقرار می‌گیرد که آیا به شما زبان و دو لب ندادیم تا قدرت سخن گفتن داشته باشید: «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ» (بلد: ۹۰۸). بنابراین سخن گفتن یک نوع توانایی است که خداوند به‌عنوان قوه ناطقه در نهاد بشر اعم از مردان و زنان قرار داده تا از طریق آن تفهیم و تفاهم و انتقال مافی‌الضمیر صورت گیرد.

۱-۲. تعلم

یکی از توانایی‌های مشترک انسان، یادگیری است. کسب علم، آنچنان دارای اهمیت است که قرآن، در آغاز ارتباط وحیانی پیامبر ﷺ، علم‌آموزی را یکی از کرامت‌های انسانی برشمرده است: «أَقْرَأَ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۴-۶). همواره فراگیری دانش مورد توجه و تشویق دین بوده است؛ تا جایی که طلب علم بر زنان و مردان مسلمان به‌عنوان فریضه‌ای واجب تلقی شده است (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۳۰). بشر یاد گرفت چگونه بنویسد، بخواند و تحلیل کند؛ چگونه برای خود لباس بدوزد، مسکن بسازد و طبیعت را به تسخیر خود درآورد. ابتکار، خلاقیت، اختراعات و اکتشافات در پرتو علم‌آموزی شکل گرفته است. از این‌رو، تعلم و یادگیری از توانمندی‌های سرشتی انسان اعم از زنان و مردان برشمرده می‌شود.

استعداد فراوان انسان، او را به‌عنوان خلیفه‌الله، مسجود فرشتگان قرار داده است. این سرمایه ارزشمند، از ابتدای آفرینش انسان همراه اوست و با فراهم آمدن شرایط، به فعلیت تبدیل خواهد شد. از سخن گفتن و راه رفتن کودک تا توانایی تعقل و تسخیر عالم به دست انسان، همه حاکی از این قوا هستند. همه انسان‌ها اعم از زن و مرد، در اصل دارا بودن این کرامت ذاتی، هیچ‌گونه تفاوتی ندارند. آن‌گونه که قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)، توانش‌ها و قوای فطری، اموری غیراکتسابی‌اند که به همراه آفرینش به انسان اعطا شده‌اند. این قوا، نه دانش فطری‌اند و نه گرایش فطری؛ بلکه ابزارهایی‌اند که به‌واسطه آنها، دانش‌هایی کسب می‌شوند یا گرایش‌هایی به فعلیت می‌رسند؛ مانند قوه عاقله، که وسیله کسب معقولات و فطری است؛ گرچه داده‌های آن اکتسابی‌اند (ابوترابی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸). توانایی فراگیری زبان و تفهیم و تفاهم از طریق نمادهای اعتباری، استعداد رسیدن به مدارج عالی کمال و قدرت خودسازی نیز از جمله توانش‌های انسانی است که از آغاز تولد با هر انسانی همراه است و عوامل دیگر صرفاً در تقویت و تضعیف و یا شکوفایی آن‌ها نقش بازی می‌کنند (رجبی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶).

جست‌وجوی صورت‌گرفته حاکی از آن است که منبع مستقلی در زمینه تبیین توانش‌های سرشتی انسان وجود ندارد. گرچه برخی به‌صورت پراکنده از آن سخن گفته‌اند. کتاب *اصول و مبانی امور فطری* (ابوترابی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸)، تنها به تعریف آن بسنده کرده است. کتاب *انسان‌شناسی* (رجبی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶)، مجموعاً از برخی توانش‌های سرشتی، همچون تفهیم و تفاهم، کاربرد زبان سخن به‌میان آورده است. کتاب *روان‌شناسی زن و مرد* (پناهی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۶)، بیش از همه، زن و مرد را از نظر روان‌شناسی مورد تحلیل قرار داده است. گرچه مستندات از آیات و روایات نیز مطرح کرده؛ اما این مطالب کامل نمی‌باشد. کتاب *جستاری در هستی‌شناسی زن* (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸)، از موضوع ما سخن گفته‌اند. شمولیت و گستردگی مباحث تحقیق ما بیش از یافته‌های ایشان است.

بنابراین با توجه به اینکه تاکنون هیچ منبعی به تمام ابعاد مسئله تحقیق از نگاه قرآن، به روش تفسیر موضوعی نپرداخته؛ بلکه در مجموع این منابع نیز پاسخ این مسئله که «زن و مرد در چه امور

۱-۳. تکلیف‌پذیری

نمی‌شد. برای تحقق این اهداف، استعداد‌های متفاوتی به زن و مرد داد، تا هریک ویژگی‌های خاصی در خود بیابند و به سوی نقش‌های ویژه متمایل شوند و در راستای تکامل یکدیگر گام بردارند. باید توجه داشت که میان توانمندی و نقش افراد، رابطه مستقیمی وجود دارد. بر این اساس مردان به دلیل داشتن قدرت جسمانی، از عهده کارهای سخت و خشن برمی‌آیند؛ در مقابل، زنان نیز به دلیل داشتن روحیه لطیف‌تر و جسمی ضعیف‌تر، در امور مراقبتی و لطیف موفق‌ترند (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۴۰). از آیات قرآن چنین برداشت می‌شود که توانایی و قابلیت افراد، تعیین‌کننده در تکالیف آنان است. بر همین اساس، مردان وظایف سخت‌تری بر عهده دارند. در مقابل، به دلیل توجه به توانایی زنان، برخی مسئولیت‌ها از دوش آنان برداشته شده و برخی وظایف نیز بر عهده آنان گذاشته شده است. از برخی از آیات قرآن، تفاوت‌های مربوط به توانش‌های هریک از مرد و زن استفاده می‌شود که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم.

در اصل مکلف بودن به تکالیف، اعم از عبادات، اوامر و نواهی الهی، تفاوتی میان مرد و زن نیست و هر زن و مردی موظف است تا در برابر دستورات الهی تسلیم و مطیع باشد. گرچه در محدوده و کیفیت انجام مسائل عبادی تفاوت‌های جزئی وجود دارد؛ ولی در اصل آن تفاوتی وجود ندارد (پناهی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۶۶). از این‌رو، به دست می‌آید که زنان و مردان توانایی انجام تکالیف را داشته‌اند که خداوند بر عهده آنان نهاده است. از سوی دیگر، هنگامی که خداوند بار تکلیف را بر دوش انسان نهاد، اشاره‌ای به جنس خاص نکرده است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲). بنابراین مکلف قرار گرفتن و مسئولیت‌پذیری، یک نوع توانش فطری قلمداد شده که خداوند منان، در نهاد بشر به ودیعه گذاشته و این تکالیف بر عهده همه مردان و زنان قرار داده شده و در اصل آن هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد.

۱-۴. مختار بودن

۲-۱. توانش تکثیر نسل

یکی از نشانه‌های بزرگ تدبیر خداوند آن است که برای انسان‌ها، همسرانی از جنس خودشان آفریده، که از یک سو مایه آرامش روح و جان هستند، و از سوی دیگر، مایه تکثیر نسل و تداوم وجود انسان به‌شمار می‌روند. قرآن درباره تکثیر نسل می‌فرماید: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (شوری: ۱۱). این آیه، حکمت زوج‌آفرینی انسان و چهارپایان را، تکثیر نسل آنها بیان فرموده است. زوج‌آفرینی یک تدبیر تکوینی الهی است برای اینکه نوع انسان باقی بماند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱). طبق صریح آیه، زن و مرد در دستیابی به این مقصود شریک‌اند و به‌طور معمول، هریک بدون دیگری، توانایی تکثیر نسل را ندارد. هرچند هرکدام از این دو، نقش ویژه و جداگانه خود را در این جریان دارد که در ادامه به این نقش‌های ویژه، توجه می‌کنیم.

۲. توانایی‌های متفاوت زن و مرد

یکی از ویژگی‌های انسان در جهان‌بینی اسلامی، داشتن قدرت انتخاب و تعیین سرنوشت است؛ امری که مبنای بسیاری از اعتقادات و معارف دینی، از جمله فرستادن انبیاء، وضع قوانین و مقررات، معاد و رسیدگی به امور بندگان، پاداش و کیفر آنها و... است. خداوند تعالی با لطف و رحمت، مسیر درست زیستن را از طریق الهام‌های درونی، وضع قوانین و ابلاغ آن به وسیله پیامبران به انسان می‌نمایاند. انسان با اختیار خود می‌تواند این مسیر را بیاماید و یا اینکه بی‌اعتنا به هدایت‌های درونی و بیرونی راه دیگری را برگزیند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳). بنابراین همه انسان‌ها اعم از زن و مرد به‌طور فطری، دارای قدرت اختیار و تعیین سرنوشت هستند و هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

۲-۱-۱. مردان و تکثیر نسل

در شکل‌گیری و تکون نطفه نوزاد، مرد و زن، هر دو سهیم هستند: «... وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً»، خداوند در این آیه، گسترش و تکثیر

علی‌رغم وجود توانایی‌های مشترک زن و مرد، آنها در امور نیز از توانایی‌های متفاوتی برخوردارند. منشأ این تفاوت‌ها به نقش هریک در نظام آفرینش برمی‌گردد. هنگامی که خداوند طرح کلی خلقت انسان‌ها را می‌ریخت، اهدافی داشت که جز با آفرینش دو صنف (زن و مرد) محقق

دارد. علاوه بر این در مرحلهٔ تلاوم نسل تولید شده، نظیر تغذیه و رشد کودک نیز از نقش اساسی برخوردار است. دوران حمل و شیردهی به حدی مورد اهمیت است که خداوند، آن را مستوجب احسان به مادر برشمرده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَوَضْعُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵).

۲-۲. زنان، آرامش بخش خانواده

وجود همسران برای یکدیگر، مایهٔ آرامش زندگی آنهاست. در این میان زنان از نقش ویژه‌ای برخوردارند. وجود زن علاوه بر آرامش بخشی همسر، آرامش خاطر فرزندان را نیز فراهم می‌سازد.

۲-۲-۱. زنان آرامش بخش همسران

براساس آیه ۲۱ سورهٔ «روم»، یکی از حکمت‌های زوجیت در انسان این است که زن و مرد، مایه انس، الفت و آرامش یکدیگر باشند. ولی در آیه ۱۸۹ سورهٔ «اعراف» این ویژگی فقط به زنان نسبت داده شده و یکی از علل غایی آفرینش آنها شمرده می‌شود: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا». براساس این آیه زنان تسکین‌دهندهٔ تلاطم درونی و روانی مردان هستند (سمانچوه، ۱۳۹۸). ذکر اختصاصی این نکته دربارهٔ زنان، احتمالاً ناظر به نقش برجسته و محوریت آنان در ایجاد آرامش و قرار در کانون خانواده است. بنابراین از نگاه قرآن، زنان از نقش محوری و اصیلی در تأمین آرامش خاطر در کانون خانواده برخوردار می‌باشند و این مسئولیتی است که آفرینش بر عهده آنان گذاشته و در پی اعطای آن باید پیش‌نیاز انجامش را نیز تأمین کند. هنر آرامش‌گری زن، به دلیل جسم و روان لطیف، زیبایی چهره، شادمانی در چهره، عفت بیشتر، امانتداری، عواطف فراوان و... است. مطالعات روان‌شناختی نیز همین را ثابت می‌کند (پناهی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۱). چنانچه در جریان چگونگی آفرینش حوا، حضرت آدم پس از آگاهی از خلقت حوا از پروردگارش می‌پرسد این کیست که در کنار او بودن و نگاه به او موجب آرامش و قرارم شده؟ (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۷۹) در رسالهٔ حقوق امام زین‌العابدین علیه السلام آمده است: «و اما حق همسر این است که شوهر بداند خداوند زن را مایهٔ آرامش و الفت قرار داد» (عقیل، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰). جهت اعمال مدیریت عاطفی برای ایجاد بهداشت روانی در خانواده، زنان می‌توانند

نسل انسان را منسوب به آدم و حوا دانسته است. بنابراین نقش زن و مرد در تولید نسل، امری انکارناپذیر است. قرآن کریم، در یک تشبیه زیبا، مرد را به‌عنوان زارع و زن را به‌عنوان کشتزار و پرورشگر معرفی کرده است: «سَيَأْكُم حَرْثُ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» (بقره: ۲۲۳). پس از ترکیب منی و تخمک در رحم زن، نطفه تشکیل می‌شود. قرآن ضمن تأکید بر این ترکیب، از امانا منی مرد نیز سخن گفته است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (طارق: ۷-۵). گرچه برخی «ترائب» را به معنای استخوان سینهٔ زن گرفته‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۴، ص ۱۸۲)؛ اما باید دانست در آیات فوق، تنها سخن از منی مرد در میان است؛ زیرا تعبیر به «ماء دافق» (آب جهنده) دربارهٔ مایع جنسی مرد صادق است نه زن؛ که ضمیر «یخرج» در آیه بعد به آن بازمی‌گردد و می‌گوید: «این آب جهنده از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید». بنابراین منظور از «صلب» و «ترائب» قسمت پشت و پیش روی انسان است؛ چراکه منی مرد از میان این دو خارج می‌شود. در آیات دیگر قرآن نیز، مانند آیات ۴۶ نجم و ۳۷ قیامت، روی منی مرد، که امری محسوس است، تکیه شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۲۶، ص ۳۶۸). همان‌گونه که پیداست، نقش مرد در تکون نطفه غیرقابل انکار است. به طوری که در ماجرای ملاقات حضرت مریم و جبرئیل، هنگامی که فرشته الهی از بارداری شدن مریم به‌عنوان یک معجزه یاد می‌کند، حضرت مریم با شگفتی می‌پرسد: چگونه ممکن است؟ بشری مرا لمس نکرده حملی داشته باشم؟ «قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسْسَنِي بَشَرٌ» (آل عمران: ۴۷).

۲-۱-۲. زنان و تکثیر نسل

نقش زن در تولید نسل، انکارناپذیر است. آیات ۱۲-۱۴ سورهٔ مبارکهٔ «مؤمنون»، به مراحل شگفت‌آور سیر نطفه در رحم مادر اشاره کرده و چنین می‌فرماید: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» (مؤمنون: ۱۲-۱۴). آیهٔ موردنظر مراحل تکامل جنین را خون بسته، گوشت جویده، دارای استخوان و پوشانده شده با گوشت می‌داند. در پایان آیه به آخرین مرحله با یک تعبیر سر بسته اشاره کرده، می‌فرماید: «سپس ما او را آفرینش تازه‌ای بخشیدیم» (ثم أنشأناه خلقاً آخر) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۲۰۸). همان‌طور که پیداست زن در تکامل جنین نقش مهمی

رفتارهایی را مورد توجه خاص قرار دهند که برخی از آنها عبارتند از: احترام و تکریم شوهر، همدلی و همراهی با شوهر، شاکر بودن و قناعت پیشگی، عفت و چشم‌پوشی از غیر (ماهرزاده، ۱۳۸۷).

۲-۲-۲. زنان، آرامش‌بخش فرزندان

با توجه به سهم بیشتر زنان در توانش تکثیر نسل، آنها نیازمند توانایی‌های دیگری برای ایفا این نقش هستند. بنابراین چون خداوند وظیفه فرزندان‌آوری و پرورش را بر عهده زن نهاده، باید پایه‌های بروز چنین رفتاری را نیز در سرشت وی فراهم سازد. زن در انجام این مسئولیت به‌طور مستقیم با یک موجود ظریف، حساس و ناتوانی به نام جنین و نوزاد روبه‌روست. طبیعی است، پرورش‌دهنده چنین موجودی، به روحی سرشار از عاطفه نیازمند است تا بتواند کانون اعتماد نوزاد گردد و با او به تعامل برخیزد. نوزاد به هنگام تولد از هرگونه دانش حصولی بی‌بهره است؛ آن‌گونه که قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» (نحل: ۷۸). زن باید دارای قدرت ارتباطی قوی‌تری باشد و از شخصیتی آرام و آرامش‌بخش برخوردار باشد تا بتواند با موجودی که از سخن‌گفتن و بیان استدلال بهره‌ای ندارد، رابطه برقرار کند و به نیازهای او پاسخ دهد. از این‌رو، خداوند زن را به‌گونه‌ای آفریده، که دوران حمل، شیردهی و نگهداری از کودک را از بهترین دوران زندگی خویش بداند؛ و اگر زن به‌طور طبیعی از زمینه مساعد روانی با آنچه اندامش برای آن مهیا شده، برخوردار نباشد، نمی‌تواند از عهده این مسئولیت برآید (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴-۱۶۱). عاطفه مادری در سرشت زن نهاده شده و هر زنی گرچه فرزندی نیابوده باشد، آن را با تمام وجود احساس می‌کند. از این‌رو، هنگامی که همسر فرعون، نوزاد درون صندوقچه را می‌بیند که در نیل شناور است، بی‌اختیار موسی را از دست نگهبانان گرفت و فریاد برآورد: «لَا تَقْتُلُوهُ». بنابراین با این رخداد، عاطفه فرزندخواهی در وجود همسر فرعون به خروش آمد (رضایی، ۱۳۷۸).

۲-۳. توانش مدیریت

خانواده واحدی یکپارچه است. برای رسیدن به کارکردهای آن، زن و مرد هر دو دارای نقش هستند. در رویکرد دینی، تفکیک نقش‌ها از یک‌سو بر تفاوت‌های طبیعی و از سوی دیگر، بر پایه دستوره‌های فقهی و اخلاقی مبتنی است. هدف از این نقش‌ها نیز سازماندهی خانواده است. خانواده

حضرت امیر و حضرت زهرا[ؑ] که رابطه زوجیت در آن، بر پایه عصمت شکل گرفته است، دلیل مطمئن برای تقسیم کار، بر پایه جنسیت است. در آغاز تشکیل این خانواده، رسول خدا^ﷺ کارها و وظایف بیرون راه بر دوش حضرت امیر[ؑ] و امور داخل منزل راه به دخترشان واگذار کردند. حضرت زهرا[ؑ] با پذیرش این تقسیم‌بندی، تأکید فرمودند که کارهای بیرون با تحمل و قدرت مردان سازگارتر است و از اینکه آن مسئولیت از دوششان برداشته شده، خدا را شکر کردند. در این میان، کارکرد فرزندان‌آوری و ابقای نسل، اهمیتی ویژه دارد. خداوند متعال، بارداری و زایمان را بر دوش زنان و حمایت را بر دوش مردان نهاده است (علاسوند، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۵). در روایات بسیاری به ضعف نسبی برخی قوای بدنی زنان تصریح شده است. یکی از اهداف تبیین کمی قدرت جسمانی زنان عبارت است از اینکه: مردان را در معاشرت با زنان از قدرت جسمانی برترشان آگاه سازد و آنان را به مهار قدرتشان ترغیب کند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۷۱)؛ زیرا یکی از قاعده‌های اخلاقی دین، آن است که بدترین ستم، ستم بر ضعیف است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۳۱، ص ۳۷۰). از دیگر اهداف بیان این‌گونه روایات را می‌توان دوری جستن از واگذاری مسئولیت‌های سنگین به زنان شمرد (علاسوند، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۷). امام صادق[ؑ] فرمود: «از خداوند درباره‌ی دو گروه کم‌توان، یعنی زنان و یتیمان بترسید (و به آنها ظلم نکنید)» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۷۰، ح ۲۵۳۳۱). امیرمؤمنان علی[ؑ] در نامه به امام حسن[ؑ] فرمود: «امور فوق توان زن را به وی وامگذار، به این دلیل که زن چون گلی (لطیف) است، نه شخصی که در هر امری مباشرت کند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۳۱، ص ۳۷۰).

۲-۳-۱. مردان و حمایت مادی

برای اینکه زن بتواند از عهده مسئولیت‌های خویش در تولیدمثل و پرورش آن برآید تا تکثیر نسل محقق شود، باید نیازمندی‌های وی، همچون امنیت، مسکن، پوشاک، خوراک و مانند آن تأمین شود. برای تأمین احتیاج‌ها به دو چیز نیازمندیم: اول، قدرت جسمانی و دوم تدبیر. البته هرکدام از همسران به مقتضای انسان بودن و برخوردار از نعمت اختیار، دارای قدرت و تدبیر هستند؛ اما معتقدیم متولی تأمین نیازمندی‌های اولیه حیات به علت مسئولیت مضاعف، باید از این دو نعمت «قدرت و تدبیر» بهره بیشتری داشته باشد. صلاحیت اندام مرد و ظرافت و لطافت اندام زنان که یکی از

تفاوت‌های تکوینی و چشمگیر آنان است و علوم تجربی هم بر آن صحنه گذاشته، حاکی از آن است که یکی از دو ابزار لازم برای تأمین آن نیازمندی‌ها نزد مردان یافت می‌شود. از این‌رو، می‌توان گفت خداوند متعال تأمین احتیاج‌های زنان و کودکان را بر عهده مردان گذاشته است. قرآن نیز تأمین نیازمندی‌های زندگی را از شئون مردان دانسته است. این مهم نه تنها در طول زندگی مشترک زن و مرد، مورد توجه بوده؛ بلکه در دوران طلاق نیز مورد تأکید قرار گرفته است. آنجا که حقوق زنان مطلقه را به مردان گوشزد کرده؛

تهیه مسکن، وجوب پرداخت نفقه، و پرداخت شیربها را در صورت وجود فرزند شیرخوار، بر عهده شوهر قرار داده است: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مَنْ وُجِدَكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٌ فَانْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ يُنَكِّمُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمُ فَسَتْرَضِعْ لَهُ أُخْرَى لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا...» (طلاق: ۷-۶).

۲-۳-۲. مردان و حمایت معنوی

فارغ از تأمین نیازهای خانواده و حمایت مادی، یکی از توانمندی‌های فطری مردان، حمایت معنوی آنان از زنان است. مردان، قادرند مأمّن و پناهگاه زنان باشند؛ زنان نیز از تکیه کردن بر مردان احساس امنیت می‌کنند. حامی بودن مردان، از داستان‌های قرآن نیز قابل برداشت است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. در داستان ابراهیم علیه السلام، بعد از آنکه حضرت، هاجر و اسماعیل را به سرزمین خشک و غیرقابل زراعت مکه برد؛ هنگام بازگشت، هاجر از او پرسید: «یا ابراهیم! لِمَ تَدْعُنَا فِی مَوْضِعٍ لَيْسَ فِيهِ أُنْثَى وَ لَا مَاءٌ وَ لَا زَرْعٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۹۸)؛ چرا ما را در سرزمینی می‌گذاری و می‌روی که نه انیسی و نه آبی و نه دانه‌ای در آن است. ابراهیم علیه السلام گفت: خدایی که مرا به این عمل فرمان داده، از هر چیز دیگری شما را کفایت می‌کند. از سؤال هاجر می‌توان دریافت که او به‌عنوان یک زن، همسرش را حامی و تکیه‌گاه خود می‌دانست که با رفتنش، ایشان را مورد ملامت قرار داده و در پناه مرد بودن را حق فطری و طبیعی خود دانسته است. ضمن اینکه ترتیب خواسته هاجر بدین نحو روایت شده که ابتدا از نبود انیس شکایت دارد و پس از آن سخن از آب و زراعت به‌میان می‌آورد.

۲. در داستان حضور حضرت موسی علیه السلام در وادی طور آمده که موسی علیه السلام از جانب طور آتشی دید! به خانواده‌اش گفت: درنگ کنید؛ من آتشی دیدم، می‌روم شاید خبری برای شما بیاورم، یا شعله‌ای از آتش؛ تا با آن گرم شوید (قصص: ۲۹). تهیه وسیله گرمایش و یافتن مکانی امن برای خانواده، گویا از وظایف مرد شمرده می‌شود که حضرت در این داستان آن را بر خود لازم دانسته است. البته این آیه در نگاه نخست، شامل حمایت مادی شده؛ اما حمایت معنوی نیز از آن فهمیده می‌شود. بدین صورت که موسی علیه السلام خود را موظف به حمایت از خانواده‌اش می‌دانست؛ از این‌رو، به دلیل ترس از مواجه شدن با شامیان مسیر بی‌راهه را انتخاب کرد. اما سرنوشت چنین رقم خورد که او راه را گم کند و در وادی طور، آتشی ببیند. اینجا نیز از باب احتیاط به همسرش می‌گوید همین‌جا بمانید تا من خبری بیاورم

براساس آیه ۳۴ سوره «نساء» خداوند مردان را قیّم زنان دانسته و مسئولیت زندگی را بر عهده مردان نهاده است؛ چراکه مردان، توانایی انجام کارهای سخت و دشوار را دارند. خداوند می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». کلمه «قیّم» به معنای کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است؛ و کلمه «قوام» و نیز «قیام» مبالغه در همین قیام است؛ و مراد از جمله «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»، برتری‌هایی است که خداوند به حسب طاقتی که مردان بر اعمال دشوار و امثال آن دارند، به آنان داده است. درحالی‌که زندگی زنان، زندگی احساسی و عاطفی و اساس و سرمایه‌اش رقت و لطافت است. *آیت‌الله جوادی آملی* معتقد است آیه مربوط به زن و شوهر است، نه زن مقابل مرد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۹). اما علامه طباطبائی معتقد است از عمومیت علت به دست می‌آید که قیّم بودن مردان نیز عمومیت دارد و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست؛ بلکه حکمی که جعل شده برای نوع مردان بر نوع زنان است. از این‌رو، امور اجتماعی همانند حکومت و قضا که با زندگی هر دو صنف مرتبط است، بر عهده مردان نهاده شده است؛ چراکه قوام این دو مسئولیت بر نیروی تعقل است، که در مردان بالطبع بیشتر و قوی‌تر است، تا در زنان. همچنین دفاع از سرزمین با

و ناموسی است و نشان می‌دهد که در برابر اراذل و اوباش و منافقان کوردل و بیماردلان نباید بی‌تفاوت بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۳۴). در شأن نزول آیه فوق آمده است: آن زمان، زنان مسلمان هنگام شب، وقتی که برای نماز مغرب و عشا می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با بیان سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۱۷، ص ۴۲۶). در این شرایط آیه فوق به‌عنوان هشدار به آنها نازل شد (ر.ک: اکبری، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

۲-۳-۳. زنان و مدیریت منزل

اسلام، سرپرستی خانواده را بر عهده مرد گذاشته و او را در عرصه خانوادگی قوام و حاکم قرار داده است و در عین حال توانایی‌های زن را نادیده نگرفته و مسئولیت مدیریت داخلی کانون خانواده را به او سپرده است. شوهرداری، خانه‌داری و نقش مادری سه وظیفه اصلی و خطیر زن در خانواده است که بدون برخورداری از تدبیر و مدیریت از عهده آنها برنخواهد آمد. در الگویی که قرآن کریم برای خانه‌داری بانوان ارائه می‌دهد؛ به‌طور مشخص بر نحوه پذیرایی آنان از میهمان تأکید می‌کند و با بیان داستان ورود فرشتگان به منزل ابراهیم^ع نمونه‌های روشنی از جلوه‌های رفتاری یک زن خانه‌دار به نمایش درمی‌آید. در سوره «هود» در مورد این داستان چنین آمده است: «فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ» (هود: ۶۹). در سوره «ذاریات» نیز همین مضمون وارد شده که: «فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ» (ذاریات: ۲۶).

از بررسی این داستان، نکات برجسته‌ای در مورد خانه‌داری همسر ابراهیم^ع برداشت می‌شود. از اینکه فرمود: «فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ...»، این چنین برداشت می‌شود که کار پختن آن گوساله بریان توسط همسرش انجام شده و بریان کردن آن گوساله در مدت زمانی اندک و بدون کمترین درنگ، نشانه سرعت عمل اوست. همچنان که تعبیرات «سمین» و «حنیذ» نشانگر مهارت و حسن سلیقه او در آشپزی است؛ زیرا معلوم می‌شود نخست اینکه آن گوساله، فربه و بزرگ بوده، و دوم اینکه روی سنگ سرخ شده با آتش، کباب شده که هم از نظر بهداشتی بهتر از گوشتی است که روی حرارت مستقیم آتش کباب شود و هم از نظر طعم لذیذتر از آن است (حسن‌خانی، ۱۳۸۴).

یا مقداری از آتش برای گرم شدن بیاورم. حمایت‌های مردان نسبت به زنان، با تعبیر «غیرت» شناخته می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۷۵). در متون اسلامی غیرت به‌عنوان صفت مردانه شناخته می‌شود. این صفت، انگیزه رفتارهایی می‌شود که مردان به صورت خودجوش در دفاع از ناموس خود نشان می‌دهند. ابراز این صفت، نه تنها از سوی عقلا و متدینان نکوهش نشده؛ بلکه مردان را به آن ترغیب کرده‌اند. غیرت از ایمان شمرده شده (محدث نوری، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۹۳) و مردی که برای دفاع از خانواده‌اش کشته شود، شهید محسوب می‌گردد (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۵۲). چنین عباراتی حاکی از وجود صفتی تکوینی است که پایه‌ای برای رفتارهای مردانه قرار می‌گیرد. در مقابل، غیرت برای زنان ویژگی پسندیده‌ای به‌شمار نمی‌آید. غیرت زنان در روایات، معادل حسادت قرار گرفته است. امام صادق^ع فرمودند: «غیرت جز برای مردان نیست؛ اما غیرتی که در زنان دیده می‌شود، حسد است» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۰۴ و ۵۰۵). از سوی دیگر، زنی که بر غیرت شوهرش صبوری به خرج می‌دهد، خداوند ثواب هزار شهید را برای او قرار می‌دهد (علاسوند، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۸).

گرچه در قرآن واژه غیرت به‌کار نرفته است؛ اما از برخی آیات قرآن می‌توان غیرت و حساسیت در برابر منکرات را استفاده نمود؛ مانند آیات امر به معروف و نهی از منکر، حجاب، عفاف، جهاد، دفاع، هجرت، شهادت، براءت از مشرکین و... از میان این موارد، به تناسب موضوع، تنها به غیرت ناموسی می‌پردازیم:

۱. حضرت موسی^ع هنگامی که دختران شعیب را در کنار چاه مدین دید فرمود: «قَالَ مَا خَطْبُكُمْ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ» (قصص: ۲۳)؛ شما اینجا چه می‌کنید؟ (کار مهم‌تان چیست؟) آن دو پاسخ دادند که ما گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم تا مردان بازگردند. در اینجا غیرت حضرت موسی^ع نسبت به زنان عقیفه به او اجازه نداد تا در مواجهه با این مسئله بی‌تفاوت باشد؛ بنابراین خود دست به کار شد و گوسفندان دختران شعیب را سیراب کرد.

۲. قرآن خطاب به کسانی که مزاحم نوامیس مردم بوده و درباره زنان پاکدامن شایعه‌پراکنی می‌کردند، چنین می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ» (احزاب: ۶۰). این غیرت الهی که سبب دفاع شدید از عرض، نوامیس و کیان مسلمانان شده، سرمشقی برای همه در غیرت دینی

۲-۳-۴. مدیریت اقتصادی زن

زنان در گذشته و حال، نقش قابل توجهی در تولید و افزایش درآمد و بهبود اقتصاد خانواده داشته و دارند؛ اما از مهم‌ترین سیاست‌گذاری‌ها در محیط خانه و خانواده، سیاست‌گذاری در نحوه توزیع و مصرف درآمد خانواده است. رعایت اعتدال در اقتصاد خانواده و خودداری از اسراف و تبذیر، مهم‌ترین سیاست خانواده است. خداوند یکی از ویژگی‌های مطلوب زنان را این‌گونه بیان می‌دارد: «حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء: ۳۴)؛ زنان درست‌کردار، در غیاب شوهر، رازدار و امانت‌دار او هستند و به تعبیر قرآن، «حفظ‌الغیب» محسوب می‌شوند. یعنی به هنگام غیبت شوهر، از اموال، ناموس و اسرار خانواده محافظت می‌کنند و مرتکب خیانت نمی‌شوند و در برابر حقوقی که خداوند برای آنها قائل شده و با جمله «بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» به آن اشاره گردیده، وظایف و مسئولیت‌های خود را به‌خوبی انجام می‌دهند. در روایات اسلامی از ویژگی‌های مهم همسر مطلوب آن است که از اموال همسر خود به‌نحو شایسته‌ای مراقبت کند. از این‌رو، «بخل» از صفات ممدوح برای زن شمرده شده است. زن امین اموال شوهرش بوده و در خرج کردن آن مسئول است؛ یعنی نباید مالی را که همسرش با زحمت فراوان به دست آورده بیهوده مصرف کند. امام رضا^ع در این باره فرموده‌اند: برای بنده فایده‌ای بهتر از این نیست که دارای همسری باشد که هرگاه او را می‌بیند، مسرورش سازد و در غیاب او از خود و مال همسرش مراقبت کند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۹). بنابراین بانوی اسلامی در خانه، امین اموال و حافظ حیثیت و شرف شوهر است؛ سعی دارد در غیاب او آبرویش را حفظ کند و مال و دارایی خانواده را از اتلاف و دستبردها و مصرف‌های بیهوده مصون دارد (ماهرزاده، ۱۳۸۷).

۲-۳-۵. مدیریت زن در تربیت فرزندان

تربیت فرزندان جامعه‌پذیر، از مهم‌ترین کارکردهای نهاد خانواده است که از طریق آن، فرد نگرش‌ها و رفتارهای مناسب با فرهنگ خود را می‌آموزد. والدین در تعلیم و تربیت فرزندان نقش بسزایی دارند، به‌طوری‌که می‌توانند موجب رشد و شکوفایی فرزندان گردند و یا زمینه انحراف آنان را فراهم آورند. از این‌رو، خدای متعال چنین می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ يُادِنُ رَبَّهُ وَالْأَدَى حَبْتٌ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا» (اعراف: ۵۸). در این میان مدیریت زن برای شکل‌گیری صحیح شخصیت

فرزندان نقشی بی‌بدیل است. زن، طفل را نه ماه در رحم و دو سال در آغوش حمایت می‌کند. از نقاط حساس سعادت و یا شقاوت انسان‌ها محیطی است که مادر رکن اساسی آن محسوب می‌شود. بانوی خانه، الگوی رفتار برای خانواده است. از طریق اوست که شخصیت کودکان رنگ می‌گیرد و پایه‌های اخلاقی و رفتاری کودک گزارده می‌شود. در خانه‌ای که مادر بی‌بندوبار، بداخلاق و خشن باشد، امکان داشتن فرزند متعادل بسیار اندک است (ماهرزاده، ۱۳۸۷). هنگامی که مریم با نوزادی در آغوش به‌سوی مردم بازگشت، مردم با تعجب از او پرسیدند: «يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا» (مریم: ۲۸). گرچه مردم در پرسش خود، پدر و مادر مریم را پاکدامن معرفی کرده‌اند؛ اما پدر مریم قبل از تولدش از دنیا رفته بود و تمام مسئولیت مریم بر عهده مادرش بود. ضمن اینکه فرزند دوران طفولیت خود را بیشتر نزد مادر می‌ماند و این خود گواه آن است که مادر نقش چشم‌گیری در تربیت فرزند دارد.

۳. ضعف توانشی زنان

از تحلیل و بررسی برخی آیات قرآن، این‌گونه استنباط می‌شود که زنان علاوه بر دارا بودن جسمی لطیف، از روحیه‌ای آرام و احساسی برخوردارند و به تعبیر علامه طباطبائی دارای حیات عاطفی هستند. از این‌رو، برخی توانش‌ها در آنها ضعیف‌تر از مردان بروز می‌کند و یا این‌گونه به نظر می‌رسد. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۳-۱. ظرفیت عقلی

عقل از امتیازات منحصر به فرد انسان است. عقل، یعنی قدرت تعقل، درک، استدلال و تشخیص صحیح؛ و عاقل کسی است که هم در مقام درک و انتزاع و هم در مقام عمل و تدبیر، هوشمندی دارد (پناهی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸). آیات فراوانی از تعبیر «افلا تعقلون» بهره جسته است. اگر انسان، قابلیت تعقل نداشت، شایسته نبود خداوند ما را به آن دعوت کند و یا ما را به‌خاطر عدم تعقل، مورد ملامت و سرزنش قرار دهد. ضمن اینکه جهنمیان اقرار می‌کنند اگر تعقل می‌کردیم، اهل جهنم نمی‌شدیم (ملک: ۱۰). گرچه زنان و مردان در داشتن چنین قابلیت‌هایی مشترکند؛ اما این موهبت نزد آنان از شدت و ضعف برخوردار است. برای اثبات تفاوت زن و مرد در توانش عقلی به برخی آیات از جمله این آیه استدلال شده است: آیه ۱۸ سوره

تمام دقایق و ریزه‌کاری‌ها را به‌خاطر بسپارد تا به هنگام ادای شهادت، درست همه آنچه را که واقع شده است، گواهی دهد. و گاه به این دلیل است که زن یک طبیعت نرم و تأثیرپذیری دارد؛ چراکه وظیفه مهم مادری چنین می‌طلبد که زن در برابر طفل خود سخت نباشد و به خواسته‌های او کاملاً توجه کند. این طبیعت با تأثیرپذیری لازم برای شهادت در باب معاملات و عقود ناسازگار است و اینکه خداوند دو زن را به جای یک مرد قرار داده است، برای تضمین همین نکته است» (سید قطب، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۳۵). آیت‌الله مطهری در تأیید این دیدگاه دو احتمال را مطرح می‌کند؛ نخست اینکه عدم برابری، ریشه در توان هریک از زن و مرد در حفظ و ضبط دارد و آنگاه به ارزیابی احتمالی دیگر می‌نشیند که ممکن است این مسئله ناشی از برتری احساسات بانوان باشد. ایشان در پایان بحث از تقویت احتمال اول عدول کرده به تفسیر دوم متمایل شده‌اند (مطهری، ۱۳۷۱). از مجموع آنچه گفته شد می‌توان چنین استنباط کرد که زنان به دلیل نسیان ناشی از غلبه احساسات، در گواهی دادن توانایی کمتری نسبت به مردان دارند؛ زیرا در اثر غلبه احساسات، تعقل آنان دچار خدشه می‌شود (حسن‌خانی، ۱۳۸۹).

شایسته است که در مورد کاستی ارزش شهادت زنان از مردان، چنین گفت که شهادت یک حق نیست؛ بلکه یک تکلیف است و اسلام در مواردی، زن را از این تکلیف معاف کرده است؛ چون حکمت آفرینش چنان است که بعد احساسی و عاطفی در زن از مرد شدیدتر است و در نتیجه او را تأثیرپذیر ساخته و از جهت احتیاط حفظ حقوق مردم، شهادت دو زن را مساوی با شهادت یک مرد قرار داده است. همچنین شهادت از یک واقعه، زمانی می‌تواند منشأ حکم قضایی قرار گیرد که از حداکثر اعتمادپذیری برخوردار باشد. براساس تحقیقات روان‌شناسی، اعتماد به نفس در مردان بیشتر است؛ اما زنان از اعتماد به نفس پایین‌تری برخوردارند. این ویژگی در دادن شهادت تأثیر دارد و لذا برابری شهادت دو زن یا شهادت یک مرد در مواردی مثل قتل، زنا و... متناسب با روان‌شناسی زن است و روبه‌رو شدن با چنین صحنه‌هایی، نقضی برای او نیست و به علت عاطفی بودن زن، امکان خطا و اشتباه در تشخیص افراد و شهادت در او بیشتر است؛ در نتیجه با افزودن تعداد شاهد از احتمال خطا کاسته می‌شود (بهرامی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

«زخرف»، زنان را در بیان استدلال مقابل خصم، فاقد بیان روشن می‌داند: «أَوْ مَن يُنْشَأُ فِي الْجِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ»؛ چراکه آنان به هنگام احتجاج، دچار احساسات و عواطف شده و به‌خوبی نمی‌توانند استدلال خویش را بیان کنند. برخی همچون آیت‌الله معرفت، از این آیه به‌عنوان دلیل قرآنی عدم نصب زنان در منصب قضاوت استفاده کرده‌اند. آیه، وضعیت زنان را به نازپروردگی و نازک‌خاطری و نداشتن صلابت متناسب با منصب داوری توصیف کرده است. زن به‌دلیل نرم‌طبعی و نازک‌اندیشی، زود از خود واکنش نشان می‌دهد و به مهربانی و دلسوزی بیشتر می‌گراید تا دوراندیشی و درست‌اندیشی. به همین دلیل، امیرمؤمنان علیه السلام در نامه خود به فرزندش فرمود: «وَلَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۳۱، ص ۳۷۰)؛ زن را در قلمروی فراتر از شئون خودش زمامدار آموزش مگردان! همانا زن گل است و نه قهرمان. این سخن امام علیه السلام اشاره به همان لطافت طبع زن دارد که به‌دلیل آن نمی‌تواند در مقام حل و فصل خصومت‌ها سخت و استوار باشد (معرفت و حکیم‌باشی، ۱۳۸۰).

۳-۲. گواهی دادن

در مسئله شهادت دادن، گواهی دو زن، معادل یک مرد تلقی می‌شود: «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» (بقره: ۲۸۲). گرچه از این آیه تنها یک حکم فقهی برداشت می‌شود؛ اما باید توجه داشت که این حکم از برخی ضعف‌های توانشی زن سرچشمه می‌گیرد.

بسیاری از مفسران این مسئله را ناشی از غلبه احساسات و عاطفه جوشان زنان می‌دانند. به اعتقاد ایشان، اسلام در تنظیم و جعل قوانین جامعه اسلامی تعقل را بر عواطف و احساسات غلبه می‌دهد و از آنجاکه زنان عموماً گرفتار احساسات هستند، شهادت دو زن را معادل شهادت یک مرد قرار داده است. مرحوم فضل‌الله و آیت‌الله مکارم شیرازی از طرفداران این نظریه هستند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۷۰؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۸۷). سید قطب در تفسیر *فی ظلال القرآن*، پیرامون علل گمراهی و ضلالت زن می‌گوید: «گاه این مسئله ریشه در کم‌اطلاعی زن از موضوع معاملات و عقود دارد. در نتیجه نمی‌تواند

نتیجه‌گیری

انسان به گونه‌ای آفریده شده که اموری غیراکتسابی و فراگیر در نهاد او تعبیه شده که از آن به امور سرشتی یاد می‌گردد. این امور شامل بینش‌ها، گرایش‌ها، توانش‌ها و انفعالات می‌باشند. در این تحقیق توانش‌های سرشتی زن و مرد از نگاه قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج عبارتند از:

۱. برخی از این توانش‌ها میان زن و مرد، مشترک هستند؛ مانند کاربرد زبان، تعلم، تحمل تکلیف و مختار بودن؛
۲. در برخی از توانش‌ها میان زن و مرد تفاوت وجود دارد. این تفاوت توانایی‌ها، اهداف زوج‌آفرینی را محقق می‌سازد؛
۳. از آنجاکه زن به‌طور طبیعی عهده‌دار تولید، رشد و پرورش نسل است، احتیاج بیشتری به عواطف مثبت و احساسات قوی‌تری دارد. براین‌اساس از انجام کارهای سخت و خشن معاف شده و در مقابل به آرامش‌بخشی تشویق شده است؛
۴. در آموزه‌های دینی بر ضعف توانش زنان توجه شده، از این‌رو، زنان به‌دلیل دارا بودن عواطف سرشار، از اموری که نیازمند تدبیر و عقلانیت است، معاف شده‌اند؛
۵. مردان به‌دلیل مسئولیت مواجهه با طبیعت و تأمین نیازمندی‌های زندگی و حمایت از نسل، احتیاج به توانایی بیشتر بر چاره‌اندیشی، قدرت جسمانی، غیرت و مدیریت دارد.

منابع

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *زن در آینه جلال و جمال الهی*، تحقیق محمود لطیفی، چ بیست و سوم، قم، اسراء.
- حرعاملی محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- حسن‌خانی، احمدرضا، ۱۳۸۴، «نقش زن در خانواده از دیدگاه قرآن»، *تسمیم یاس*، ش ۳۲، ص ۲۳-۳۰.
- _____، ۱۳۸۹، «نگاهی به دیدگاه‌های مفسران در مورد گواهی زنان»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال شانزدهم، ش ۶۱، ص ۲۰۸-۲۲۴.
- رجبی، محمود، ۱۳۹۴، *انسان‌شناسی*، چ بیستم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رضایی، محمدمهدی، ۱۳۷۸، «شخصیت‌شناسی زنان در قصه‌های قرآن»، *بینات*، ش ۲۱، ص ۷۲-۸۵.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۴، *هویت و نقش‌های جنسیتی*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- سمانچوه، پاناپا، ۱۳۹۸، «جایگاه و نقش زن در آرامش خانواده»، *پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده*، سال دوم، ش ۳، ص ۲۳-۳۷.
- سید قطب، ۱۴۰۳ق، *فی ظلال القرآن*، چ پانزدهم، بیروت، دارالشروق.
- صادقی، هادی، ۱۳۹۱، *جنسیت و نفس*، قم، هاجر.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۴ق، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- عقیل، محسن، ۱۳۹۳، *شرح رساله حقوق امام سجاد*، ترجمه رضا جلیلی، تهران، مستجار.
- علاسوند، فریبا، ۱۳۹۱، *زن در اسلام*، چ دوم، قم، هاجر.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، چ دوم، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۸۸، *فروع کافی*، قم، قدس.
- _____، ۱۴۳۰ق، *اصول کافی*، قم، دارالحديث.
- ماهرزاده، طاهره، ۱۳۸۷، «نقش مدیریتی زنان در خانواده»، *طهورا*، ش ۲، ص ۹۷-۱۱۳.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، میرزااحسین، بی‌تا، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، «زن و گواهی»، *پیام زن*، ش ۷، ص ۱۰-۱۴.
- معرفت، محمدهادی و حسن حکیم‌باشی، ۱۳۸۰، «زن در نگاه قرآن و در فرهنگ زمان نزول»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۲۶-۵۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی‌بن ابی‌طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۵، *تفسیر نمونه*، چ سی و سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- نهج‌البلاغه*، ۱۳۹۱، ترجمه محمد دشتی، چ پنجاه و شش، قم، امیرالمؤمنین.
- ابوترابی، احمد، ۱۳۹۷، *اصول و مبانی امور فطری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اکبری، محمود، ۱۳۸۱، *غیرتمندی و آسیب‌ها*، قم، گلستان ادب.
- بهرامی‌نژاد، علی، ۱۳۹۵، «پاسخ به سه شبهه قرآنی»، در: *چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*، www.sid.ir
- پناهی، علی‌احمد و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۹۶، *روان‌شناسی زن و مرد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمشیدی، اسدالله و همکاران، ۱۳۸۸، *جستاری در هستی‌شناسی زن*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.